



محمدحسین فیاض

## نیاز همیشگی ما به شهید مزاری

بارها از سوی نسل جوان این پرسش مطرح بوده است که ما چرا به شهید مزاری نیاز داریم و همواره از او یاد کرده و یاد و نامش را گرامی می‌داریم؟ به عبارتی شهید مزاری چه خصوصیات منحصر به فرد دارد که این همه از او سخن گفته می‌شود؟ این پرسش، جدی و بسیار مهم است و پاسخ مفصل و مستند می‌طلبد. اما در این مجال، به عنوان پاسخ به چند شاخصه مهم اشاره می‌کنم:

### الف - شهید مزاری؛ شخصیت بزرگ ملی

تأکید بر تأمین حقوق شهروندی است. فریاد عدالت‌خواهی او همواره برای تحقق برادری و برابری بوده است. بنابراین ما همواره برای وفای ملی به سخنان و راهبردهای شخصیت‌های ملی نیازمندیم و شهید مزاری در این میان، یگانه و کم‌نظیر است. از این رو شهید مزاری جزء سرمایه‌های اجتماعی کشور محسوب می‌شود که فراتر از قوم و گروه اجتماعی خاصی، باید مورد تکریم و مراجعه باشد.

شهید مزاری، تنها شخصیت بزرگ ملی است که به حق، عنوان «شهید وحدت ملی» را از سوی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دریافت کرده است. این عنوان، بدون در نظرداشت شاخصه‌های تطبیقی آن به شهید مزاری داده نشده است. روشن است که در میان سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های به یادگارمانده از شهید مزاری، بیشترین تکیه‌ی آن پیر سفر کرده روی وحدت ملی، احترام متقابل اقوام و

### ب - شهید مزاری؛ پرچمدار عدالت‌خواهی بنیاد اندیشه

قرار داد؛ تا آن جا که به اعتراف دوست و دشمن، نام او با عدالت، گره خورد. او بارها و بارها از تأمین حقوق اقلیت‌ها در افغانستان، برادری و برابری، مشارکت عادلانه در قدرت و تقسیم مراکز اداری به صورت عادلانه سخن گفت و همه اقلیت‌ها را برای به دست آوردن حقوق‌شان دعوت به دادخواهی کرد. او نه تنها حقوق هزاره‌ها، بلکه حقوق پشتون، تاجیک، ازبک و دیگر اقوام افغانستان را در فضای برادری و برابری طلبید. امروزه ما به شدت به این گفتمان نیازمندیم و ضروری است که از این ایده دفاع کرده و آن را در افکار و تاریخ کشور نهادینه کنیم.

عدالت، هم موضوع عقلی و هم از آموزه‌های دینی به‌شمار می‌رود و عدالت‌خواهی ریشه در فطرت انسانی دارد. اما زمانی که بُعد خباثت انسانی بر بعد عدالت‌خواهی او چیره گشت، عدالت قربانی می‌شود و این جاست که فریاد دادخواهی باید بلند شود. در افغانستان، عدالت همواره قربانی بوده است. ستم‌های بی‌شماری را تاریخ افغانستان ثبت کرده است که در جای جای این سرزمین، عدالت و عدالت‌طلبی به مسلخ کشیده شده است. شهید مزاری با توجه به درک عمیقی که از این موضوع داشت، بارها از عدالت گفت و عدالت‌خواهی را سرلوحه کار و برنامه خود

### ج- شهید مزاری؛ احیاگر هویت شهروندی

عمیق یاد می‌کرد، لذا آن سخن تاریخی را به یادگار گذاشت که «می‌خواهم هزاره بودن جرم نباشد.» با توجه به این فهم تاریخی، وی تلاش زیادی برای احیای هویت به تاراج رفته هزاره انجام داد و انسان هزاره، در وجود شهید مزاری خودش را بازیافت و شناخت. نقش احیاگری شهید مزاری در راستای احیای هویت هزاره، فراموش ناشدنی است و این موضوع را کسانی که با تاریخ افغانستان آشنایی داشته و در شهرها زندگی کرده‌اند، به خوبی می‌دانند.

هزاره به عنوان قوم تحقیر شده و ستم‌دیده تاریخ کشور است که قتل عام و تصفیه قومی را تجربه کرده است. اما نسبت به قتل عام فیزیکی، بیشتر قتل عام فرهنگی و هویتی شده است که پیامدهای روحی و روانی آن هنوز باقی است. این‌گونه قتل عام بسیار طاقت‌فرسا، غم‌انگیز و تا حدودی غیر قابل جبران است، زیرا هزاره از سطح شهروندی خود نیز تنزل کرد. این موضوع، رنج همیشگی شهید مزاری بود و در صحبت‌های مختلف از آن بارنج

### د- شهید مزاری؛ هویت و رهبری

هزارگی خود می‌رسیم. اگر در راستای رهبری جامعه هزاره و خصوصیات رهبری سخن بگوییم، قطعاً درباره رهبری کارزمایی آن پیر فرزانه تأمل خواهیم کرد و نمی‌توان به سادگی از کنار آن رد شد. شهید مزاری از نظر شخصیتی، ساده‌زیستی، شجاعت، ملی‌اندیشیدن، جهاد و مبارزه به خوبی، قابلیت نماد شدن را دارد و بدون تردید، نماد و الگوست.

زندگی اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی، بدون الگو که بتوان ایده‌های خود را در شخصیت یک فرد پیاده کرده و آن را نماد ساخت، امکان ندارد. شهید مزاری امروزه چنین الگویی برای جامعه، به خصوص الگو و نماد برای جوانان و فرزندان ماست. اگر ما بخواهیم در راستای هویت خود کار کنیم، بدون تردید سرانجام به شهید مزاری و نقش بی‌بدیل او در راستای احیای هویت

66

### ه- شهید مزاری؛ در جایگاه یک پدر (بابه)

نزدیک نمایند و به عنوان بزرگ خاندان، اکرام و احترام نمایند. به عبارتی هر فرزندی تلاش دارد که خود را در وجود پدر در جامعه بازخوانی نماید و به واسطه بزرگ خاندان، خود را معرفی کند. از این رو است که نقش پدری بابیه مزاری برای هزاره‌ها، نقش برجسته‌ای است. خانواده هزاره می‌تواند در چهره و شخصیت بابیه مزاری، خود را بازخوانی نماید و قدم در جای پای پدر بگذارد. داشتن چنین پدر معنوی، ضرورت انکار ناپذیر است.

در زندگی اجتماعی و خانوادگی، نقش پدر از اهمیت والا برخوردار است و پدر، ضمن مدیریت و رهبری خانواده، مسئولیت سنگینی در بخش‌های تربیتی، روحی و مدیریتی را به عهده دارد. پدر، تکیه‌گاه است و تاریخ مجسم از گذشته جامعه و فرهنگ آن جامعه است. از این رو است که احترام والدین در قرآن و دیگر آموزه‌های دینی از جایگاه ویژه برخوردار است. فرزندان، هر چند فراوان باشند، همواره تلاش دارند که جایگاه پدر را در خانواده محفوظ داشته و به گونه‌ای خود را به او

او بارها و بارها از تأمین حقوق اقلیت‌ها در افغانستان، برادری و برابری، مشارکت عادلانه در قدرت و تقسیم مراکز اداری به صورت عادلانه سخن گفت و همه اقلیت‌ها را برای به دست آوردن حقوق‌شان دعوت به دادخواهی کرد.

99